

پداداشت رسانه‌های رهاشده در ایران و احساسات جمعی رزونانسی

محمد آقاسی

جامعه‌شناس و پژوهشگر افکار عمومی

هنوز در ایران هم روزنامه، هم خبرگزاری و هم کانال‌های متعدد خبری داریم. مطابق اعلان‌های رسمی، بین ۷۰ تا ۸۰ عنوان روزنامه ثبت‌شده در کشور وجود دارد. برآوردها حاکی از آن است که کمتر از نیمی از روزنامه‌ها یعنی بین ۲۵ تا ۳۰ روزنامه، تحریریه فعال دارند و به تولید مستمر مشغول هستند. تیراژ روزنامه‌ها در بهترین حالت، زیر ۵۰۰ هزار نسخه در روز گزارش شده و بین ۱۰ تا ۱۱ هزار روزنامه‌نگار در کشور وجود دارد. بخش بزرگی از این نیروها در شرایط ناپایدار، ناامن و در نتیجه فرسایشی کار می‌کنند. میدان پیش‌روی رسانه کشور، بیش از آنکه حرفه‌ای باشد، پراکنده و نامنسجم است. رسانه‌ها ی روزنامه در ایران، نه لزوما از طرف دولت به معنای وسیع کلمه اداره می‌شود و نه از طریق مردم مصرف می‌شود. همچنین افشار صاحب‌فکر نیز آن را جدی تلقی نمی‌کنند. روزنامه‌نگاران نیز آن را نه یک فرایند جدی، بلکه به عنوان یک پروژه می‌بینند. در نتیجه با ظرفیت یا فضای مدنی رهاشده روبه‌رو هستیم که خیلی‌ها در آن حضور دارند (Media landscape). اما گوئی کسی ساکن آن نیست. بوده‌جو و ساختار دارد و حتی در میان بخش درخورتوجهی نوستالژی است، اما امکان تولید معنا را ندارد. در سطح تجربه اجتماعی، رابطه‌ای دوطرفه و دگرگون‌کننده (Transformative) با مخاطب نداشته و به شکل عیبیسی تبدیل به یک نهاد بدون هم‌آوایی (Resonance) شده. تصویر هست، اما تماس نیست. خبر هست، اما تجربه نیست. روایت هست، اما رابطه نیست. نگاه حاکم بر رسانه‌ها در ایران، اغلب بر کارکرد نظارتی تاکید داشته و پیامد این رویکرد آن است که رسانه به نظامی پالایش‌گر تبدیل می‌شود. هر پیام از چندین لایه تایید و اصلاح عبور می‌کند. این لایه‌ها لزوما مواردی اعلامی نیستند، بلکه حتی به صورت ناخودآگاه جمعی روزنامه‌نگاری، اعمال می‌شود. مردم به شکل گسترده به سمت پلتفرم‌های خبری و غیرخبری، مهاجرت کرده‌اند. این تغییر، حوزه عمومی جدیدی را شکل نداده یا حوزه عمومی را تقویت نکرده است، بلکه محیط‌های خُرد احساس (Micro-environments of emotion) را به وجود آورده است. پیام‌رسان‌ها در مجموع تبدیل به جزایر پرکنده تولید احساسات لحظه‌ای شده‌اند. در این فضاها درگیری بالا و هم‌آوایی پایین است. واکنش (Reaction) هست، ولی رابطه (Relation) نیست. تغییر مهمی که مشاهده می‌شود، عبور مردم از رسانه‌های خبری، با ورق‌زدن بی‌پایان یا اسکرول‌کردن است. افشار صاحب‌فکر در ایران، رسانه را با ابزار ترویج می‌بیند یا ابزار اعتراض می‌داند. کمتر کسی رسانه را به عنوان میدان مستقل و منبع تولید معنا می‌بیند. در نتیجه، تحلیل رسانه‌ای تبدیل شده به تحلیل سیاسی یا اخلاقی، که با تجربه زیسته مردم فاصله زیادی دارد. شاید خفایت‌ترین بخش ماجرای ایران، روزنامه‌نگاران باشند. روزنامه‌نگار در ایران بیش از آنکه نقش میانجی میان جهان و جامعه را ایفا کند، در میدان فرسوده‌ای گرفتار آمده که امکان کمتری برای کنشگری مستقل دارد. روزنامه‌نگار، نه اختیار کافی، نه امنیت کافی و نه خودمختاری واقعی دارد. در چنین شرایطی، تولید خبر بیشتر شبیه تولید بقا خواهد بود و تولید معنا به حاشیه می‌رود. حاصل این چهارگانه، رهاسازی یک وضعیت متناقض است؛ رسانه هست، اما رسانه نیست. حضور دارد، اما تجربه حضور ندارد. همه درباره آن حرف می‌زنند، اما کسی در آن زندگی نمی‌کند. در یک نظام رسانه‌ای سالم، رسانه باید امکان هم‌آوایی را فراهم کند. لحظاتی که در آن قرد با یک روایت، یک تصویر، یک تعارض یا حتی یک سکوت، وارد رابطه‌ای دوطرفه و دگرگون‌کننده با جهان می‌شود. در ایران، این لحظات یا حذف شده‌اند یا آن‌قدر کم‌پاب شده‌اند که دیگر نتوان سخاتری ندارند. احساسات جمعی نیز از حالت احساسات هم‌آوا (Resonant affect) خارج شده‌اند. احساسات هنوز وجود دارند، اما بیشتر به شکل احساسات تولید‌شده (Manufactured affect) عمل می‌کنند؛ یعنی احساساتی که تولید، توزیع و مصرف می‌شوند، بدون اینکه به تجربه‌ای زنده و متقابل با جهان تبدیل شوند. هیجان، خشم جمعی و نوستالژی هست، اما کمتر چیزی است که سوزه را درگیر جهان کند. در این وضعیت، رسانه به‌جای اینکه میدان تولید هم‌آوایی باشد، تبدیل به ماشین تولید تکرار شده و خبر، سرگرمی و تحلیل، کپی‌پیست می‌شود. ویژگی تیست این است که رابطه ما با جهان را فرسوده کرده و توضیح نمی‌دهد. رسانه‌های ایران را نمی‌توان صرفا شکست خورده، سرکوب‌شده یا کنترل‌شده دانست. وضعیت آنها پیچیده‌تر از اینهاست؛ آنها رها شده‌اند؛ یعنی نه دولت مسئولیت کامل آن را پذیرفته، نه جامعه آن را جدی گرفته، نه نخبگان آن را فهمیداند و نه روزنامه‌نگاران توانسته‌اند آن را بازسازی کنند. آنچه بیش از همه به گوش می‌رسد، صدایی آشناست؛ پژواک حرف‌های تکراری است. شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که چگونه می‌توان از این نویز تکراری به سوی هم‌آوایی بازگشت؟ راه برنورفت از وضعیت رهاشدن رسانه‌ها و رسیدن به موقعیت رهایی، بدون بازتعریف جایگاه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری ممکن نیست. مهم‌ترین تکلیف متوجه دولت است که باید بپذیرد رسانه مستقل، تهدید نبوده و نیاز یک جامعه پیچیده است. صداالبته ایس پذیرش، الزاماتی عملی دارد؛ از جمله تضمین امنیت شغلی و حقوقی روزنامه‌نگاران، واقعیت این است که وقتی روزنامه‌نگار در مرز میان «خودسانسوری برای بقا» و «ریسک برای حرفه‌ای‌گری» گرفتار باشد، تولید معنا جای خود را به تولید تکرار خواهد داد. نخبگان باید مسئولیت اجتماعی خود را با نقد جدی اما سازنده، حضور در رسانه‌ها بدون تحقیر آن و بازگرداندن گفت‌وشنفت، برای تولید معنا، بازتعریف کنند. وقتی نخبگان رسانه را جدی بگیرند، مخاطب نیز به‌تدریج اعتماد‌آز دست‌رفته را بازمی‌یابد. مردم وقتی ببینند خبر، فراتر از سرگرمی و هیجان لحظه‌ای، با تجربه زیسته‌شان گره خورده است، دوباره به روزنامه، نه از روی ناگزیری، بلکه از روی نیاز، بازخواهند گشت.

نویسنده: محمد آقاسی، جامعه‌شناس، نویسنده، محقق و پژوهشگر

همچنین می‌توانید این مطلب را بخوانید:

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*

«نقد رسانه‌های خبری در ایران» *محمد آقاسی*



گزارش «شرق» درباره تاب‌آوری بزرگ‌ترین وارکننده نفت جهان در برابر جنگ نفت خلیج فارس

چین مقاوم

اخبار» در روزنامه‌های غربی، گزارش‌ها مبنی بر واکنش چین در خصوص تنش‌ها در خلیج فارس، متفاوت بوده است.

اخبار فوق‌العاده در خصوص واکنش چین در خصوص تنش‌ها در خلیج فارس، در روزنامه‌های غربی در جریان آید. براساس گزارش‌ها، چین در حال حاضر در حال واکنش متعادلانه است. چین در حالی که در برابر جنگ خلیج فارس واکنش متعادلانه دارد، اما در عین حال به‌خوبی تنظیم کرده است تا اقتصاد بزرگ جهان را به صورت جدی‌تر وارد مناقشه خاورمیانه نکند.

چین

براساس گزارش اداره کل گمرک چین، واردات روزانه نفت چین حدود ۴۲ میلیون تن و معادل ۱۰۰۳ میلیون بشکه نفت در روز است و این رقم تا ۱۱.۵ میلیون بشکه در روز می‌رسد. عربستان با صادرات روزانه دو میلیون و ۱۶۰ هزار بشکه در روز، بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام به چین است. پس از عربستان، روسیه با یک میلیون و ۸۲۰ هزار بشکه، دومین صادرکننده بزرگ نفت به چین است و پس از این دو کشور، عراق با حدود ۱.۵ میلیون بشکه نفت و ایران با صادرات بین یک تا ۱.۵ میلیون بشکه نفت از صادرکنندگان بزرگ نفت به چین به حساب می‌آیند. امارات، کویت و عمان از دیگر صادرکنندگان مهم حوزه خلیج فارس به چین هستند.

جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران و رشد قیمت نفت به بالای صد دلار این تصور را ایجاد کرد که بزرگ‌ترین وارکننده نفت به ژانو درمی‌آید. در همان شروع جنگ، سناتور لیندزی گراهام به شبکه فاکس نیوز گفته بود بسته‌شدن تنگه هرمز برای چین کابوس است و دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در پیستی در شبکه تروث‌سوشیال نوشته بود: «چین از اینکه من تنگه هرمز را برای همیشه بازگشایی می‌کنم، بسیار خوشحال است. من این کار را برای آنها انجام می‌دهم و البته برای جهان».

با این حال چین به‌راحتی زمین‌گیر نشد و براساس داده‌های منتشرشده از طرف اداره ملی آمار چین، اقتصاد چین در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۶ و با وجود تأثیر منفی جنگ خاورمیانه بر تجارت و انرژی، رشد پنج‌رصدی را ثبت کرد که فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه و بالاتر از نرخ رشد اواخر سال گذشته است. این رشد در حالی محقق شد که با وجود تأثیرات منفی جنگ خاورمیانه بر داده‌های ماه مارس، اقتصاد چین همچنان در مسیر هدف‌گذاری دولت برای رشد ۴.۵ تا پنج‌رصدی حرکت کرده است و تولید ناخالص داخلی چین در مقایسه با سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۵ نیز ۱۰.۳ درصد افزایش داشته است. اینکه چرا چین برخلاف تصور اولیه به‌سرعت زمین‌گیر نشد، دلایل متعددی دارد. چین قبل از جنگ خلیج فارس با پیش‌بینی وقوع بحران در بازار انرژی، به‌سرعت ذخایر نفت خود را افزایش داده و به حدود ۹۰۰ میلیون تا یک میلیارد ۴۰۰ میلیون بشکه نفت رسانده بود؛ ذخایری که جواگوی بیش از سه ماه مصرف نفت این کشور است. علاوه‌براین چین در طول سال‌های گذشته تلاش کرده است منابع انرژی خود را تنوع ببخشد. با وجود آنکه چین بزرگ‌ترین وارکننده نفت جهان است اما نفت و گاز فقط حدود یک چهارم و نفت به‌تنهایی حدود یک پنجم مصرف انرژی این کشور پهناور را تشکیل می‌دهد و درحال‌حاضر عمده برق چین از زغال‌سنگ تأمین می‌شود. چین بزرگ‌ترین تولیدکننده زغال‌سنگ جهان است و نزدیک به نیمی از زغال‌سنگ جهان را تأمین می‌کند. گذشته از این، چین برخلاف مقاومت‌هایی که در آمریکا وجود دارد، در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نهایت کوشش را به خرج داده است، به طوری که این کشور از حدود ۲۵ سال پیش سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر را آغاز کرده است و براساس اطلاعات اداره ملی آمار چین، انرژی‌های بادی، هسته‌ای، خورشیدی و برق آبی در سال ۲۰۲۵ بیش از یک سوم برق این کشور را تولید کرده‌اند. علاوه‌براین برآوردها حاکی از آن است که حدود نیمی از ظرفیت نصب‌شده انرژی چین از منابع تجدیدپذیر تأمین می‌شود. رضا پدیدار، کارشناس انرژی، به «شرق» می‌گوید چین در عرصه جهانی با هیچ کشور دیگری قابل مقایسه نیست و این کشور پس از فرم و اصلاحات سیاسی یعنی از حدود سه تا چهار دهه قبل تاکنون با بحران جدی روبه‌رو نبوده است، زیرا این کشور پهناور توانسته است در اقتصاد خود به صورت چندبعدی عمل کند و اقتصاد خود را با وابستگی بیش از حد به یک آیتم یا فاکتور خاص در معرض شکنندگی قرار ندهد.

او ادامه می‌دهد: در زمینه انرژی هم اگرچه چین بزرگ‌ترین وارکننده نفت و گاز جهان است اما این کشور با تنوع‌بخشی به سبد انرژی خود و توسعه آن توانسته است میزان تاب‌آوری خود را افزایش دهد. به گفته این کارشناس، عمده مصرف نفت چین برای وسایل نقلیه موتورس‌ی است و چین با توسعه وسایل حمل‌ونقل برقی توانسته است میزان وابستگی حمل‌ونقل خود را به سوخت‌های فسیلی به طور چشمگیری کاهش دهد و از حدود ۲۰ سال پیش بیش تقریباً تمام ناوگان موتورسیکلت این کشور برقی بوده است. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی بیش از ۱۷ میلیون خودروی برقی در سال ۲۰۲۴ فروخته شده که ۲۰ درصد از فروش جهانی خودرو را تشکیل می‌دهد و کل ناوگان جهانی خودروهای برقی از ۵۸ میلیون دستگاه فراتر رفته است. دراین‌میان چین با بیش از ۲۰.۴ میلیون خودروی برقی در جاده‌ها تا پایان سال ۲۰۲۴، بزرگ‌ترین سهم از خودروهای برقی را در جهان در اختیار دارد. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰، چین به ۸۰ درصد سهم خودروهای برقی در فروش خودروهای جدید دست‌یابد و همچنان قدرت بلامنابع خودروهای برقی در جهان، باقی بماند. این در حالی است که آمریکا از این نظر پس از چین قرار دارد و تا پایان سال ۲۰۲۴ حدود هفت میلیون خودروی برقی داشت. در سال ۲۰۲۴، آمریکایی‌ها ۱.۶ میلیون خودروی برقی خریداری کردند که ۱۰ تا ۱۱ درصد از فروش خودروهای جدید را تشکیل می‌دهد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد آمریکا می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۲۷ تا ۲۸ میلیون دستگاه خودروی برقی داشته باشد، اما ممکن است بپذیرش این خودروها کندتر از اروپا و چین باشد.

گذشته از این پدیدار تاکید می‌کند در فرهنگ چین بهره‌وری و مصرف درست جایگاه درخور توجهی دارد و همین موضوع سبب شده است چین برای کنترل کالاهای مصرفی و استفاده بهینه از انواع کالا و انرژی گرفتاری درخور توجهی نداشته باشد. این در حالی است که بهره‌وری پایین و استفاده نادرست از انواع کالا و انرژی در ایران گاهی هزینه‌های گزافی به اقتصاد کشور تحمیل کرده است.

تنگه هرمز موضوع گفت‌وگوی رؤسای جمهوری چین و آمریکا

اما با تمام این اوصاف، به نظر می‌رسد چین و اروپا به عنوان مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی انتظار ندارند جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران طولانی شود و تاب‌آوری در حال عبور از تنگه هرمز بوده است. به طو کلی، از شامگاه گذشته سطح تنش‌ها در تنگه هرمز و خلیج فارس افزایش یافته و در همین راستا رئیس جمهور آمریکا مدعی شده است از صبح دوشنبه چهارم می (۱۴ اردیبهشت) عملیات بازگشایی تنگه هرمز را آغاز خواهد کرد؛ اقدامی که از منظر کارشناسان می‌تواند موجب تشدید تنش‌ها در منطقه شود.